



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۶۳
۱۸ خرداد ۱۳۸۴
۸ ژوئن ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

کرمانشاه: رقص با پوستریهای پاره!

کنند. جوانان به ماشین حمله کرده و شلنگ آن را درآورده و با آن میرقصند! و شعار آزادی آزادی میدهند. نیروهای سرکوبگر در نهایت درماندگی با ترس تمام فقط نظاره کردند. میدان آزادی، چهارراه اجاق، میدان شهرداری و مصدق، سه راه برق و میدان فردوسی به تصرف هزاران جوان درآمد است. دیگر نشانی از عکس ها و پلاکارد های مضحکه انتخابات نیست. تمام آنها زیر پای رقص و شادی جوانان له شده اند. نیروهای ویژه ضد شورش در تمام خیابانها

میکنند. در چهارراه سیمتری بیش از ۱۰ هزار نفر که اکثرا جوان هستند تجمع کرده اند. تمام خیابانها اطراف بسته شده. دختر و پسر دست به دست هم در حالیکه کیوسک پلیس ۱۱۰ را به محاصره خود در آورده اند مشغول رقص و پایکوبی هستند. جوانان تمام پلاکارد های نمایش کثیف انتخابات را پایین آورده و به آتش میکشند. بعضی از جوانان پلاکارد های پاره را در حال رقص در هوا میچرخانند. جمعیت با قدرت تمام شعار آزادی آزادی سر میدهند. نیروهای سرکوب میخوانند از ماشین آتش نشانی برای متفرق کردن مردم استفاده

صفحه ۲

انتخابات و تبلیغات کاندیداها

کشور بیداد می کند و ما باید از بیشتر شدن این گونه فساد در جامعه جلوگیری کنیم. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام افزود: بیرون کردن فقر و فساد در جامعه کمتر از آزاد سازی خرمشهر نیست، من وارد عرصه ی انتخابات شدم تا بتوانم به جامعه و مردم خدمت و مشکلات آنان را حل کنم. رضایی خطاب به دولت های پیشین گفت: دولت های پیشین که دم از حل کردن مشکلات جامعه و

محسن رضایی طی سخنانی در جمع مردم شهرستان الیگودرز، برابری، عدالت و یک سو بودن تمامی اقوام از جهت برابری و مساوات را از ضروریات نظام و دولت آینده عنوان و تاکید کرد: اگر نظام برابر در کشور وجود داشته باشد، دیگر عشایر و اقوام ایرانی در حاشیه قرار نمی گیرند و از سهم مساوی که دیگر شهرهای بزرگ صنعتی دارا می باشند، برخوردار خواهند شد. وی گفت: من از آینده ی نظام می ترسم، چراکه فقر و اعتیاد در

صفحه ۲

هزاران نفر با قدرت شعار آزادی آزادی میدهند!

هم اکنون از کرمانشاه خبر زیر رسید: امروز پس از بازی فوتبال و پیروزی ایران، همه جای شهر شلوغ است. بخصوص جوانان بیرون ریخته اند. در میدان گلستان، چهار راه سنگر و نوبهار نیروی های ضد شورش به حالت آماده باش با وحشت تمام ایستاده اند. همه خیابانها بند آمده، ماشینها بوق میزنند، در میان نگاه های هراسان مزدوران دختران و پسران شادی



عبدل گلپریان

وعده های محسن رضائی برای نجات نظام

کاندیدای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری گفت: اولین کاری که دولت آینده باید انجام دهد، وضع کردن يك قانون برابر می باشد تا هیچ تبعیضی در جامعه وجود نداشته باشد.

بعد از پیروزی تیم فوتبال ایران در تظاهرات هزاران نفره در

سنندج

پرچمهای جمهوری اسلامی به آتش کشیده شد

آغاز کردند. تجمع جوانان با صوت زدن و رقص خوشحالی آغاز شد. اما بلافاصله جوانان آزادیخواه و معترض این تجمع را با شعار مرگ بر انتخابات، مرگ بر کاندیداها، مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری ادامه دادند. در خیابانهای ششم بهمن، سفری، وکیل، میدان اقبال، و آزادی همه ستادهای انتخاباتی رژیم اسلامی در

سنندج شاهد تظاهرات شکوهی علیه رژیم اسلامی بود مردم ستادهای انتخاباتی رژیم را در هم شکستند شعار مردم آزادی - آزادی - زنده باد آزادی - - زنده باد برابری - مرگ بر جمهوری اسلامی بود. در اطلاعیه های قبلی به اطلاع رساندیم که به دنبال پیروزی تیم فوتبال ایران جوانان و مردم به خیابانها آمدند و رقص و شادی را

صفحه ۴

احضار نمایندگان کارگران شاهو

صفحه ۴

بازداشت و شکنجه هادی احمدی نماینده کارگران شاهو

صفحه ۴

شگردهای رژیم اسلامی را باید به شکست کشاند

صفحه ۳

کاندیداهای " برابری طلب "

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E-mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر

با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود

ادامه انتخابات و تبلیغات ...

مردم می‌زدند چرا تاکنون هیچ کار مثبتی را صورت نداده‌اند، ما دیگر نمی‌توانیم دروغ تحویل مردم جامعه دهیم، چراکه جامعه و مردم کشور آگاه شده‌اند و مسایل را به خوبی درک می‌کنند.

اظهارات رضائی را باید نه به عنوان کاندیداتور مقام ریاست جمهوری بلکه بعنوان نماینده این رژیم و سهیم در سیاست گذاری دولتهای پیشین مورد بررسی قرار داد. فضای سرنگونی طلبی در جامعه که خواب را از سران ریز و درشت این حکومت گرفته، رضائی را به عنوان یکی از مهره های اصلی این رژیم که در تمام جنایات این دم و دستگاه شریک و سیاست گذار بوده به آنجا سوق داده که دارد از رفع تبعیض و برابری، عدالت و یک سو بودن دم می‌زند. البته این وجهه مشترک تمامی کاندیداتورهای گوناگون در هر مضحکه ای برای فریب مردم است. ایشان از نظامی برابر داد سخن سر می‌دهد که در آن "عشایر و اقوام ایرانی" در حاشیه قرار نگینند. این اظهارات رضایی نشانگر اوج مبارزات حق طلبانه و پیشرو کارگران، معلمان، پرستاران، زنان و جوانانی است که وی حتی جرئت بزبان آوردن نامشان را نداشته و بجای آنها از "عشایرو اقوام ایرانی" دم میزند. منظور تبلیغات "انتخاباتی" این متهمین درجه اول حکومت از "عشایر و اقوام" مردم آزاده ای است که در طول تاریخ حاکمیت این رژیم، برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری جنگیده اند و دارند کارش را یکسره می‌کنند. رضائی و دیگر سران این حکومت خوب می‌دانند که ساختار اجتماعی جامعه ایران، ازعشایر و قبائل و قومیتها تشکیل نشده است، بلکه يك جامعه به تمام معنا

طبقاتی و شهری است. که در مقابل مجلس و کاخ ریاست جمهورییشان نه عشایر و اقوام بلکه هرروزه کارگران و اقشار معترضی اجتماع می‌کنند که خواب خوش را ازشان گرفته و به چیزی جز برابری و آزادی و احقاق حقوقشان رضایت نمی‌دهند. رضائی از آینده نظام می‌ترسد چرا که فقر و اعتیاد در کشور بیداد می‌کند و اضافه می‌کند که بیرون کردن فقر و فساد کمتر از آزاد سازی خرمشهر نیست. تشابه سازی این سردار جنگی بسیار جالب و گویاست. فقر و اعتیاد، بیکاری و هزارو يك بدبختی دیگر را که این عالیجنابان به مردم تحمیل کرده اند، دارد گلویشان را میفشارد. رضائی درست می‌گوید اگر هزاران نوجوان را برای فتح خرمشهر بر روی مینبنا نمی‌فرستادند همان موقع حکومتشان سقوط کرده بود. صدای پای انقلاب را مدتهاست شنیده اند و رضائی اذعان می‌کند که حالا دیگر مردم کشور آگاه شده اند مسائل را بخوبی درک می‌کنند، ۲۶ سال است دروغ گفته اند و جامعه را به نیستی و تباهی کشانیده اند.

هیچگاه به اندازه امروز و این دوره این رژیم در موقعیت ضعف و زبونی و فشار و تعرض قرار نداشته است. مردم باید بتوانند از این فرصت و موقعیت استفاده لازم را در به زانو در آوردن آن از خود نشان دهند. پاسخ محکم و دندان شکن به خزعبلات امثال رضائی، کروی، معین و بقیه جانوران این دستگاه ۲۶ سال جنایت و فقر و گرسنگی همانا برهم زدن وسیع و چشمگیر این بساط مسخره و رسوا نمودن هرچه بیشتر این رژیم توسط مردم است.

جامعه به دو قطب انقلاب و سرکوب تبدیل میشود

این اظهار نظر را محمد رضا خاتمی در میان برخی از طرفداران خود در توئیسرکان بر زبان آورد. ایشان خطاب به جناح رقیب می‌گوید: "اگر اصلاحات را نپذیرند جامعه به دو قطب انقلاب و سرکوب تبدیل خواهد شد". نگرانیهای پس مانده اصلاح طلبان حکومتی و جناح حاکم قابل درک است اما این بیانات از چند نظر حائز اهمیت است. نخست این که تهدیدات امثال رضا خاتمی در بحبوحه نمایش مسخره‌ای بنام "انتخابات" آنان را بر آن داشته تا فضای موجود در جامعه را بعنوان هشدار به رقیب در برسمیت شناسی شان بر سر بازی قدرت به حساب آورد و این که شور و اشتیاق مردم برای به هم ریختن مضحکه انتخابات را دارند در جلو چشمانشان مشاهده می‌کنند. رضا خاتمی و لاشه بی جان اصلاح طلبی در واپسین نفسهایش با نشان دادن قطب انقلاب می‌خواهد کل نظام و این رژیم را از خطر سقوط نجات دهد. فضای شورانگیز و معترض اقشار مختلف جامعه برای مهار و به زمین کوبیدن این رژیم، سخنگویان جناحهای مختلف آن را به هراس واداشته و واقعا ترسیده اند. مردم باید بتوانند از این فرصت تاریخی استفاده کنند. امروز جناحهایی از درون خود رژیم نیز دارند از تحریم این مضحکه سخن سر میدهند. شعارها و حضور پیشرو کارگران و دانشجویان در هفته‌های اخیر گویای خراب کردن این نمایش بر سرشان است. بزرگترین دستاورد برای ما و مردم این است که روز برگزاری این مسخره بازی را که بر آن نام انتخابات گذاشته اند، به يك افتضاح سیاسی برای کلیت رژیم در داخل و خارج تبدیل کنیم. پیروزی مردم در به شکست کشاندن این مضحکه، راه را برای ضربه نهائی مهیا میسازد.

"نمایندگان کرد" مجلس و انتخابات

پوچی مضحکه "انتخابات" امروز دیگر برای مردم به اثبات رسیده است. فضای اعتراضی و تعرضات ماههای اخیر کارگران درمقابل کارفرمایان، اداره کار رژیم و کل حکومت، عرض اندام جنبش دانشجویی از مقطع ۱۶ آذر به این طرف و بویژه به سرخه گرفتن مسخره بازی انتخابات در روزها و هفته های اخیر در سطح وسیعی، قبل از هر چیز نه تنها بی معنا بودن این نمایش را بیش از پیش آشکار می‌سازد بلکه مهمتر از آن افق کنار گذاشتن این رژیم را به جامعه نوید می‌دهد. در این چنین شرایطی است که شخصی بنام جلال جلالی زاده از نمایندگان این رژیم در مجلس، انتخاب خاتمی را در سال ۷۶ از معجزاتی می‌دانست آنهم به این دلیل که گویا پیرزن و پیرمردی که نام خاتمی را هم خوب نمی‌توانستند تلفظ کنند به او رای دادند. حال بعد از سالها عمر خریدن جناح دو خرداد و امثال جلالی زاده برای این رژیم، ایشان دریافته اند که با بررسی سخنرانی ها و دیدگاههای کاندیداتورهای از فیلتر رد شده، معین نیز می‌تواند ادامه دهند راه خاتمی در خریدن عمر بیشتری برای کل این نظام باشد. اکنون دیگر امثال جلالی زاده در کردستان باید دریافته باشند که دوران این بازیها و این نمایشات اصلاح طلبی به سر آمده و وقت زیادی برای این ژست های مجلسی گرفتن نمانده است. کارگران نساجی سنندج، کارگران پیروزشده کارخانه شاهو، کارگران آلمین به همراه کارگران دیگر در سراسر ایران با اعتصابات و اعتراضات هر روزه خود می‌خواهند به کل این اوضاع خاتمه دهند. آقای جلالی زاده باید فکری به حال خود بکند.

يك جمهوری سوسیالیستی، گام برداشت.
مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری!
زنده باد انقلاب! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
سازمان جوانان کمونیست
۸ ژوئن ۲۰۰۵، ۱۸ خرداد

اول جلوی این نمایش توهین آمیز "انتخابات" را تماما گرفت. باید جمهوری اسلامی را به بن بست کشاند و توازن قوا را به نفع مردم کاملاً عوض کرد. باید بسوی يك انقلاب عظیم اجتماعی، سرنگونی این بختک اسلامی و برقراری حکومت مستقیم شوراهای مردم،

مشابهی از شهرهای مختلف میرسد. سازمان جوانان کمونیست به جوانان آزادیخواه کرمانشاه درود میفرستد و خود را در شادی آنها شریک میداند. باید این تظاهرات را فرداشب و شبهای دیگر هم بر پا داشت. باید اعتراضات را گسترش داد. باید جلوتر رفت. باید در قدم



منصور فرزاد

جامعه ایران قرار گرفته و میتوانستند که حکومت تشکیل دهند حکومت‌هایی که مربوط به طبقات اصلی جامعه هستند. جمهوری سوسیالیستی، حکومتی که در آن آزادی، برابری و رفاه همگان تضمین خواهد شد و دیگر حکومت حافظ سرمایه داری که پایه آن کار ارزان و کارگر خاموش خواهد بود. مبارزات باشکوه و وسیع اقشار مختلف در ایران با شعارهای مسکن برای همه، آزادی، برابری و رفاه نشاندهنده انتخاب و تمایل شدید مردم به جمهوری سوسیالیستی است که خوشبختانه حزب متشکل کمونیست کارگری با کادرهای توانا و مسئول در راس این مبارزات قرار دارد. دوران حکومت جمهوری اسلامی و جریان‌های ملی مذهبی به پایان رسیده. نفرت مردم از مضحکه انتخاباتی ۲۷ خرداد، پاره کردن برگه‌های تبلیغاتی و بهم زدن سخنرانیهای کاندیداها ضربه محکم دیگری بر پیکره جمهوری اسلامی وارد کرده است. روز ۲۷ خرداد روزی با شکوه در تاریخ مبارزات مردم خواهد بود. جمهوری اسلامی بعد از آن ضربه پذیر تر و سردرگم تر خواهد شد.

زنده باد آزادی برابری
جمهوری سوسیالیستی

«برابری طلب» کاندیداهای

بر اسم رفسنجانی خط قرمز نکشیده بهمین جهت او بخشهای قدیمی روابط دوستانه با غرب و فراهم کردن شرایط مساعد برای سرمایه گزریهای خارجی را دوباره طرح کرده است. سیاست رفسنجانی بدلیل ساختار سیاسی و اسلامی رژیم همچنانکه در دوره ریاست جمهوری او شکست خورد هیچ شانس ندارد و مخصوصاً در موقعیت کنونی در حالیکه رژیم در مسیر سقوط قرار گرفته، کاملاً بی ارزش است. آمریکا فعلاً طرفدار تغییر رژیم در ایران نیست زیرا که هنوز آلترناتیو بهتری سراغ ندارد و ضمناً در موقعیت بهتری قرار گرفته که شرایط خود را به رژیم ایران تحمیل کند و با سمپاتی محتاطانه و در عین حال فشار بر حکومت ایران تلاش دارد که وضعیت فعلی حفظ شود با این شرط که ایران را وادار کند که دست از حمایت و پشتیبانی از اسلام سیاسی و تروریسم آن در خاورمیانه بردارد. در چنین حالتی یعنی قبول عملی شرایط غرب از طرف مقامات جمهوری اسلامی فشار غرب در مورد نقض حقوق بشر و سلاحهای اتمی بشدت کاهش خواهد یافت. بهمین دلیل تمایل سران رژیم برای حفظ خود و جلوگیری از سقوط رژیم به قبول شرایط غرب هر روز بیشتر میشود. اما مسئله مهم این است که رویدادها و مبارزات در ایران در این جهت سیر نخواهد کرد و کل این پروژه بهیچ وجه عملی نیست. تبلیغات کاندیداها در رابطه با روابط با غرب را کسی جدی تلقی نکرده است. جریان‌های ملی مذهبی چه در حکومت و چه در اپوزیسیون هر روز بیش از پیش به حاشیه رانده میشوند. دو آلترناتیو در مقابل

شده اند. مقامات بالا چندجناح هستند و عملاً قادر به اتخاذ سیاست واحدی نیستند و مدام پرونده های افراد جناح رقیب را بر ملا میکنند. از آنطرف مردم رژیم را نمیخواهند و بطور وسیعی دست به اعتراض میزنند. لحن، شیوه ابراز وجود و تبلیغات کاندیداها قابل مقایسه با دوره های قبل نیست. کسانی که زبانها را میبزدند و گردنها را میزدند، امروزه طرفدار عدالت و برابری شده اند. کسانی که قبرستانها را مملو از آزادیخواهان و کارگرانی کردند که برای حقوق حقه خویش و عدالت اجتماعی مبارزه میکردند حال از مردم سالاری، آزادی و حق کارگر و خواسته های زنان و جوانان دم میزنند و در تبلیغاتشان وضعیت جانفرسای کارگر و زحمتکش را به تصویر میکشند و اشک میریزند. اینها لحظه های آخر عمر حکومتی را نشان میدهد که زیر پایش داغ شده و در باتلاقی افتاده که برای نجات خود دست و پا میزند. این رژیم راه برون رفت ندارد و رفتنی است.

*** ** *

رفسنجانی و غرب

کاندیداها و بویژه رفسنجانی مجبور هستند که برای عبور از این تند پیچ کشنده و بمنظور حفظ نظام به غرب و بویژه حکومت بوش متوسل شوند زیرا که هر دو مخالف دخالت مستقیم مردم در دست گرفتن قدرت هستند. هر دو طرفدار کار ارزان و مطیع کردن کارگران و مردم هستند. غرب ظرفیت بالائی برای دفاع و لانس کردن افراد مترجم مذهبی و ملی و تشکیلات حکومتی مترجم ضد سوسیالیستی را دارد. غرب هنوز

اصول اسلام و امامان را بمسخره میگیرند. بویژه شورشهای وسیع در چند شهر روی داد. جریان دو خرداد به امید برطرف کردن خطر و برای حفظ نظام بمیدان آمد. جریان دو خرداد علیرغم اینکه توانست مدتی برای رژیم عمر بخرد، فلسفه وجودیش هر روز بیش از پیش برای مردم روشنتر شد و در نهایت این پروژه بشکست کشانیده شد. توازن قوا بین مردم و رژیم نسبت به یک، دو سال پیش بشدت تغییر کرده است. اگر در گذشته کوچکترین مخالفت با نظام و یا حتی یک مقاله انتقاد آمیز نسبت به حاکمان جرم سنگین تلقی میگشت و "مجرم" یا زندان و شکنجه و اعدام مواجه میگشت اما امروز مخالفت علنی بطور وسیع و هر روزه ای جریان دارد. در هر تجمعی علناً به نظام و مقامات بد و بیراه میگویند و مقدمات جمهوری اسلامی را بمسخره میگیرند حتی برخی از مقامات خود نیز به مخالفت برخاسته اند و تلاش دارند که حساب خود را از اعمال جنایتکارانه رژیم جدا کنند.

"انتخابات" ۲۷ خرداد قرار است در چنین شرایطی برگزار شود. طبق معمول چند تن از قاتلین و مترجمین از فیلتر رد شده شورای نگهبان بعنوان کاندید معرفی شده اند و قرار است که نام کسی را از صندوق بعنوان نماینده مشروع مردم بیرون بیاورند. اما این بار همه چیز تغییر کرده است. توان و قدرت رژیم مثل گذشته نیست و بشدت قدرت کنترل و سرکوب راز دست داده و افراد رده های پائین ارتش، سپاه، بسیج و اکثریت خانواده های شهدا تمایلی به دفاع از حکومت ندارند و بخش قابل توجهی جزو مخالفین

جمهوری اسلامی در شرایط بسیار سختی بسر میبرد و از هر طرف مورد تعرض مردم آزادیخواه قرار گرفته است.

کارنامه ۲۶ ساله این رژیم و مقامات آن پر از سرکوب و اعدام مخالفین، به زیر خط فقر کشانیدن اکثریت مردم، فساد مالی و اداری است. مقامات عالیرتبه جمهوری اسلامی جزو عقب مانده ترین، ضد انسان ترین و کریه ترین چهره های سیاسی ایران بوده اند. کسانی هستند که در جهان بعنوان جنایتکار و منفور شناخته شده اند. قاتلینی هستند که تا چند سال پیش علناً به قساوت، کینه توزی و آدم کشی خود و دارودسته شان افتخار میکردند. کسانی هستند که مخوفترین زندانها را بر پا کردند. قهرمانان اینها لاجوردی و حاج داود و سردار طلایی است. دارودسته های حزب اله، گروه نهی از منکر، وزارت اطلاعات، سازمان مخفی لباس شخصیها، گروهها و دسته های زیر زمینی ترور و کشتار را سازمان داده ندو به جان مردم انداختند. شرایط بسیار سخت و طاقت فرسایی را برای کارگران، زنان، جوانان و دیگر اقشار مردم فراهم کرده اند. حقوق کارگران را ماهها پرداخت نمیکند بطوریکه خانواده های کارگری توانایی لازم را برای تهیه دارو و حتی لوازم تحصیل فرزندان را ندارند. در خیابان، مدرسه، محل کار و حتی خانه در زندگی خصوصی مردم دخالت میکنند. اما همزمان مبارزات مردم بعنوان مختلف و در اشکال مختلف ادامه پیدا کرده است. مدتهاست که مردم علناً خواهان سرنگونی این رژیم شده اند. زمانی رژیم متوجه خطر گردید که نفرت عمیق مردم را احساس کرد و عملاً دید که جوانان نه تنها کوچکترین اهمیتی به اسلام نمیدهند بلکه

شگردهای رژیم اسلامی را باید به شکست کشاند

طبق اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب، ستادهای انتخاباتی رژیم در شهر سنندج از آنجا که با اعتراض مردم روبرو شده اند و تمام پوستهای تبلیغاتی را

اینها همیشه در کنار سرکوبگران مردم بوده اند باید همه عوامل رژیم را به مردم شناساند و افشا کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ خرداد ۳۰۸۴ ژوئن ۲۰۰۵

است که شما برای پول خودتان را فروخته اید و دارید برای این جنایتکاران تبلیغ می کنید.

طبق خبر رسیده به تعدادی از جوانان گفته اند اگر در ستادهای تبلیغاتی شرکت کنند نفری ۴ میلیون ۵۰۰ هزار تومان پرداخت میشود. این درست در حالی هست که روزنامه سیروان و روژهاات بیش

مردم پاره کرده اند و برگزاری جلسات برای سران حکومتشان با افتضاح روبرو شده است. تعدادی از مزدوران رژیم زنگ خانه ها را به

صدای می آورند و از مردم می خواهند که در انتخابات شرکت کنند. این اقدام رژیم با تمسخر مردم روبرو شده است. مردم به آنها گفته اند آخر مگر این رژیم عمری برایش باقی مانده

۱۴/۱ در تظاهرات هزاران نفره در سنندج ...

هم کوبیده شد. چندین بانک مورد حمله مردم قرار گرفت و شیشه بانکها شکسته شد. بانک تجارت در سه راه تاج بانک مسکن شعبه ۶، بانک ملی شعبه میدان آزادی و تمام بانکهای مسیر تظاهرات مورد حمله قرار گرفتند.

مردم با چوب، سنگ و هر وسیله دم دست به مراکز رژیم و نیروهای انتظامی و پلیس حمله کردند.

شعارهای آزادی، آزادی، مرگ بر

موتورسیلکت این پلیسها به آتش کشیده شد. جلو چشم مامورین و گارد ویژه که نظاره گر تظاهرات بود تمام عکسهای رفسنجانی، معین، و قالیباف و دیگر کاندیداها که نزدیک ستادهای انتخاباتیشان مانده بود پایین کشیدند و آتش زدند. چندین مورد پرچم رژیم اسلامی را آتش زدند.

در خیابانها و کوچه های خلوت تعدادی از جوانان را دستگیر کرده و با خود بردند. یک شاهد عینی میگوید ۱۰ نفر را در یک مینی بوس سپاه دیده است که دستگیر

شده بودند. مردم سنندج مردم آزادیخواه کردستان!

دستستان درد نکند عکس العمل شما بسیار بجا و به موقع بود. این اعتراضات را میتوان و باید ادامه داد. همه دستگیر شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند. از فردا باید برای آزادی دستگیر شدگان تلاش کرد. در مقابل استانداری، و ادارات مربوطه تجمع کنید و اعلام کنید همه دستگیر شدگان را آزاد کنند. با شعار آزادی زندانی سیاسی بخواهید همه زندانیان سیاسی آزاد شوند.

دستگیر شدگان و خانواده هایشان نباید احساس تنهایی کنند. همبستگی و اتحاد مردم علیه رژیم اسلامی کلید تعرض مردم و رسیدن به مطالباتشان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی -
زنده باد آزادی و برابری
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ خرداد ۸۴ - ۸ ژوئن ۲۰۰۵

هادی احمدی نماینده کارگران شاهو بازداشت و شکنجه شد

با عکس العمل گسترده جواب جمهوری اسلامی را بدهیم و از هادی تقدیر کنیم

هادی احمدی نماینده کارگران شاهو در سنندج بازداشت و زیر شکنجه نیروهای اطلاعاتی رژیم اسلامی قرار گرفت. طبق خبر رسیده دیروز سه شنبه ۱۷ خرداد ماموران وزارت اطلاعات سنندج هادی احمدی را احضار کردند، چندین ساعت او را در بازداشت نگهداشتند، بازجویی کردند و وحشیانه کتک زدند و تهدید کردند. او قبلاً نیز بارها مورد تهدید قرار گرفته بود.

کارگران شاهو! هادی احمدی یکی از نمایندگان شما است که از ابتدای اعتراضات این دوره در صف اول و در مقابل همه ترفندها و دسیسه های کارفرما و ادارات دولتی ایستاد و از حق کارگران دفاع کرد. نیروهای جمهوری اسلامی از شما و نمایندگان شما بویژه از هادی احمدی که عملاً سخنگوی شما بود دل پری دارند و بعد از موفقیت نسبی شما به اشکال مختلف میخوانند از نمایندگان تان زهر چشم بگیرند تا شما را به عقب برانند. در مقابل این تعرض بیشترمانه باید ایستاد، بازداشت و

شکنجه هادی احمدی را باید محکوم کرد. کارگران باید با تقدیر و حمایت از نمایندگانشان نشان دهند که همبستگی و اتحاد کارگران با این ترفندها شکسته نمیشود.

کارگران شاهو و همه مردم آزادیخواه باید با اعلام حمایت از هادی احمدی جایگاه و شخصیت این انسان شریف و مبارز را پاس بدارند. خانوادگی و با دسته های گل به خانه هادی احمدی بروید، او را گلباران کنید، از او تجلیل کنید، برای او و خانوادهاش نامه های محبت آمیز و حمایتی بفرستید و نشان دهید که قدر نمایندگان خود را میدانید و متحد و یکپارچه در مقابل این اقدامات ضدکارگری و ضدانسانی خواهید ایستاد. دفاع از هادی را به

عزم راسخ برای مبارزه در راه احقاق حقوق حقه خود تبدیل کنید. اعلام کنید که هادی تنها نیست و همه در کنار او هستید. هادی نباید تنها به وزارت اطلاعات میرفت، باید همگی او را همراهی میکردید. وزارت اطلاعات حق ندارد کسی را احضار کند اما اگر احضار کردند همه با هم به آنجا بروید و اعتراض کنید.

کارگران، مردم آزادیخواه سنندج! دستگیری و اذیت و آزار هادی احمدی را قاطعانه محکوم کنید. هزاران نامه حمایتی برای او و خانواده اش بفرستید و اعلام کنید که در کنار هادی و خانواده اش هستید. با کارگران شاهو و

نمایندگان آنها اعلام همبستگی کنید. با صادر کردن بیانیه، امضای طومار و شرکت در تجمعات کارگران شاهو در اعتراض به سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی نشان دهید که کارگران شاهو و نمایندگانشان تنها نیستند. رژیم اسلامی باید بداند که مردم متحد و معترض در مقابل این سرکوبگری آنها خواهند ایستاد.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد اتحاد و همبستگی
کارگران و مردم آزادیخواه
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ خرداد ۸۴، ۸ ژوئن ۲۰۰۵

احضار نمایندگان کارگران شاهو را محکوم میکنیم

بعد از پیروزی کارگران شاهو سازمان اطلاعات و امنیت رژیم اسلامی در سنندج میخواهد با تهدید و ایجاد جو رعب و وحشت کارگران را وادار به عقب نشینی کند.

خالد سواری یکی از نمایندگان کارگران اخراجی به اطلاعات احضار شده است. چندین بار هادی احمدی یکی دیگر از نمایندگان به اطلاعات احضار شده است. این دو نفر از

نمایندگان کارگران اخراجی شاهو هستند. آنها در مذاکرات با مقامات دولتی کارگران را نمایندگی کردند. طی تماس تلفنی مسئولین اطلاعات خود را از طرف رسانه های اپوزیسیون معرفی کرده و مصاحبه نمایی با نمایندگان کارگران در مورد مبارزاتشان ترتیب داده اند، مامورین اطلاعات اینتر در تماسهای بعدی با نمایندگان کارگران تایید کرده اند. ما ضمن

محکوم کردن احضار کارگران این شگردهای رزیلانه سازمان امنیت و اطلاعات رژیم را محکوم میکنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از همه کارگران شاهو میخواهد که متحدانه در مقابل این ترفندهای رژیم اسلامی ایستادگی کنند. اجازه ندهند که نیروهای اطلاعاتی نمایندگانشان را تحت فشار قرار دهند. هر آن آنها را احضار کردند همه کارگران باید همراه نمایندگانشان به اعتراض و تجمع دست بزنند.

در همین چند روز اخیر بعد از

عقب نشینی اداره کار نادر محمدی مسئول روابط عمومی این اداره خطاب به کارگران اعلام کرده است چه کار کردید که تمامی سایتهای خبری از اعتراضات شما خبر داده اند.

در عین حال اداره کار و اداره تامین اجتماعی در حال بررسی مدارک کارگران اخراجی شاهو می باشند و در مورد حق بازنشستگی کارگران هنوز تصمیمی نگرفته اند. کارفرما تا کنون در مقابل حکم اداره کار هیچ عکس عملی نشان نداده است. کارگران اخراجی شاهو

لازم است هماهنگ با کارگران شاغل این کارخانه متحدانه در مقابل اداره کار و کارفرما اقدام کنند. مشکل حق بازنشستگی مشکل همه کارگران شاهو است. این مطالبه را باید در یک مبارزه هماهنگ و متحدانه به اداره کار، تامین اجتماعی و کارفرما تحمیل کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ خرداد ۸۴، ۳ ژوئن ۲۰۰۵

از این سایت ها دیدن کنید:

www.wpiran.org
www.jawanan.com
www.azadizan.com
www.hambastegi.org

جزوه

"اعتصاب مدرسه انقلاب"

نوشته اصغر کریمی

را تکثیر و پخش کنید

متن کامل این جزوه در سایت روزنه قابل دسترسی است

www.rowzane.com

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!